

آقا معلم

درسهایی از زندگی معلم شهید عبدالکریم لری و برادرانش

امیر لری

سرشناسه	: لرکی، امیر، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: آقا معلم: درسهایی از زندگی معلم شهید عبدالکریم لرکی و برادرانش / امیر لرکی
مشخصات نشر	: اهواز : آیات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۹ ص: مصور (بخشی رنگی) ۵۲/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۷۴-۸۹-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: لرکی، عبدالکریم، ۱۳۴۱ - ۱۳۶۴.
موضوع	: لرکی، امین، ۱۳۴۴ - ۱۳۶۰.
موضوع	: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
رده بندی کنگره	: DSR ۱۶۲۶ ۱۳۹۶ ۱۴/۴
رده بندی دیوب	: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناختی ملی	: ۵۱۰۷۸۷۰



www.ayatpub.ir

عنوان کتاب: آقا معلم

مؤلف: امیر لرکی

ناشر: انتشارات مؤسسه فرهنگی آیات

صفحه آرای: انتشارات آیات - علی قطبی زاده

چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۷۴-۸۹-۵

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

۱۰.....	پیش گفتار.....
۱۲.....	مقدمه.....
۲۰.....	نهایی به زندگی شهید عبدالکریم لری.....
۲۳.....	دوران تربیت معلم شهید دستغیب شیراز.....
۲۵.....	معرفی که گیر.....
۲۵.....	دشت ناس.....
۲۶.....	مرکز تربیت معلم شهید باهنر اراک.....
۲۷.....	کرم صحراگرد دوست هم‌رزم هم‌کلاسی عبدالکریم.....
۲۹.....	اطاعت می‌کردیم، استاد ما بود.....
۳۰.....	مرا برای نماز شب بیدار کن.....
۳۲.....	نماز روزانه‌اش را هم به جماعت می‌خواند.....
۳۳.....	در تمام نماز جمعه‌های شیراز شرکت می‌کرد.....
۳۵.....	تربیت معلم.....
۳۶.....	هر کس تکلیفی دارد، اگر شهید شدی ما را شفاعت کن.....
۳۸.....	مثل غسل.....
۴۱.....	به شوستر رفت.....
۴۲.....	اهمیت به طهارت.....
۴۲.....	حالات معنوی و فکری.....
۴۳.....	روح تشنه‌ای داشت.....
۴۳.....	و در این میان: امین.....

- آن روز ۲۸ شهریور بود. ۴۵
- روز شهادت امین از زبان عبدالکریم (از دفتر یادداشت‌های شهید) ۴۶
- شبی نورانی در حیات مادر ۴۹
- پس از شهادت امین ۵۰
- از اعزام ۵۱
- عبدالکریم در نگاه دوستان ۶۸
- از زبان برادر روز قربانی ۷۲
- وداع با برادر شید ۷۵
- زنده‌ی بیدار رمضان ۷۶
- آخرین سفارش به خواهر ۷۶
- پس از شهادت دوست و همکار بدان ۷۶
- فراتر از اختلاف‌ها، مسبب وصال‌ها ۷۷
- عبدالکریم از نگاه خواهر (هما لرکی) ۷۸
- ابتدای سوره بقره ۷۸
- کفش بچه‌ها ۷۹
- صبح و بعدازظهر ۷۹
- رتبه عالی ۷۹
- مطالعه ۸۰
- روزی که کفش‌هایش را بخشید ۸۰
- کت خود را بخشید ۸۱
- مسجد امام رضا شهرک نورد ۸۱

۸۱.....	دست پدر را می‌بوسید
۸۲.....	کی جشن بگیریم
۸۲.....	بازی با مهدی
۸۳.....	توزیع ارزاق بین جنگ‌زدگان
۸۳.....	بدان کتاب‌های شهید عبدالکریم لری
۸۳.....	شهادت امین
۸۴.....	جنگ‌ها، نامنظم
۸۵.....	تربیت معبد
۸۵.....	مرخصی و سرش به فاضل
۸۶.....	دوران معلمی
۸۷.....	خدا حافظی
۸۷.....	عملیات فاو
۸۸.....	دوست داشت گمنام بماند
۸۹.....	مادرم در زیارت کربلا
۹۱.....	پیوست ۱
۹۳.....	پیوست ۲
۹۸.....	پیوست ۳

میش گفتار

تقریباً کلیات و شکل اصلی کتاب، نهایی شده بود که یک خبر تمام آنچه را که نوشته بودیم، تحت تأثیر قرار داد. تمام این کتاب، حکایت دو دوره زندگی است یک ۲۴ سال است و مدت ۲۹ سال که ما همان خبری رسیده که بخش ۲۹ سال را به لرزه انداخت! آنچه ثبت شده بود، رنگ و رویی داشت که حیفاً آمد تغییر می‌یابد و باز نویسی شود. از سوی دیگر، با آن خبر هیچ چیز سر جای خود نمانده بود؛ و چاره‌ای نبود جز این که کتاب را دو قسمت کنیم. بخشی که قبلاً از خبر نوشته شد و بخشی که بعد از خبر ثبت گردید.

فصل نخت: ... تا اٹھار

فصل دوم: از وصال تا...

خبرچہ بود؟ ہانی بود کہ ۲۹ سال، برای شنیدنش، نہ روز شماری کہ ثانیہ شماری، شدہ

بود! پیکر شہید عبداللہ، مگر کی پیدا شد...

کی و کجا؟ چکونہ؟

پانچ ہانی است کہ در فصل «از وصال تا...» حکایت شدہ است.

... تا اٹھار